

به نام خداوند بخشنده مهربان

حمل و نقل صحیح دام زنده

نویسنده:

محمود دشتی زاده

مقدمه

اصلی‌ترین تولیدات عشایر، فرآورده‌های دامی است و این تولیدات، حدود ۹۲ درصد درآمد عشایر را تامین می‌کند. ۶۹ درصد درآمد عشایر از محل تولید گوشت است. این میزان تولید، حدود ۲۵ درصد تولید کل کشور را شامل می‌شود و سالانه از مرز ۲۰۰ هزار تن فراتر می‌رود. ۲۳ درصد از درآمد جامعه عشایری به تولید شیر و دیگر فرآورده‌های دامی اختصاص دارد (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۷۸). یکی از بزرگترین خساراتی که کوچ، با شرایط کنونی به عشایر و منابع ملی و اقتصاد کشور وارد می‌سازد کاهش وزن دام است. در گذشته و در فصل بهار، هنگامی که درجه حرارت تغییر می‌کرد و هوا گرم می‌شد، ماندن در منطقه قشلاقی دیگر میسر نبود و عشایر در این شرایط، کوچ بهاره را آغاز می‌کردند و همراه با تغییر درجه حرارت بسوی ییلاق راه می‌افتادند. آنان یک تا دو ماه مسیر کوچ را به آرامی می‌پیمودند و از مراتع ایل‌راه‌ها و میان‌بندها استفاده می‌کردند و در نتیجه در زمانی مناسب خود را به ییلاق می‌رساندند به شکلی که مراتع ییلاقی به اندازه کافی رشد کرده و هوای آن نیز مناسب حضور دام بوده و به‌همین ترتیب در اوایل پائیز، کوچ پائیزه انجام می‌شد. در شرایط کنونی که مراتع و ایل‌راه‌ها و میان‌بندها تخریب و یا تبدیل به زمین‌های زراعی با مالکیت روستائیان شده، و یا به تصرف موسسات دولتی و غیردولتی درآمدی است، دیگر در بیشتر نقاط کشور، امکان کوچ طبیعی وجود ندارد، ضمن اینکه هزینه کوچ برای عشایر بسیار بالا می‌رود و به دام و مرتع نیز فشار زیادی وارد می‌شود (منعم و اسماعیلی‌راد، ۱۳۶۷). از جمله دلایل کاهش وزن دام عشایری، کمبود تغذیه، سرعت زیاد برای انتقال، عدم تناسب درجه حرارت هوای مقصد و مبدا با نیاز دام، تنش‌های غیرطبیعی وارده بر دام (حرکت در جاده) است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که نامناسب بودن شرایط کوچ، سالانه منجر به کاهش ۱۰۳ هزار تن وزن دام عشایری می‌شود که این رقم معادل بیش از ۲ میلیون راس دام است و با توجه به اینکه وزن لاشه، تقریباً نیمی از وزن دام است می‌توان ادعا کرد که سالانه ۵۰ هزار تن لاشه در جامعه عشایری از دست می‌رود که این مقدار از کل واردات گوشت قرمز در سال ۱۳۷۳ بیشتر است (ابرعانی و همکاران، ۱۳۸۶). بررسی‌های به‌عمل آمده حاکی از آن است که ۱/۲ میلیون راس گوسفند و ۱/۱۷ میلیون راس بز بدلیل سوء تغذیه، حوادث گوناگون، کوچ طولانی (در مواردی تا ۵۰۰ کیلومتر) و بیماری‌های دامی تلف می‌شوند. این میزان تلفات برابر حدود ۲۰ درصد تولیدات جامعه عشایری است. با از بین رفتن این تعداد دام، در واقع میزان علوفه مصرف شده نیز هدر می‌رود. علوفه هدررفته، با محصول حدود ۲ میلیون هکتار مرتع متوسط، برابری می‌کند. به هر حال با

توجه به مطالب فوق الذکر می‌توان نتیجه گرفت که کاهش وزن دام‌ها در حین کوچ، یکی از مشکلات اساسی برای عشایر کشور محسوب می‌شود (ابرغانی و همکاران، ۱۳۸۶).

نشان داده شده است که روش کوچ پیاده بدون تغذیه کمکی، دارای بیشترین افت وزن ($2/65$ کیلوگرم) بوده و کمترین مقدار افت وزن زنده در روش کوچ ماشینی بدون تغذیه کمکی است (65 گرم). مقایسه اقتصادی روش‌های مختلف کوچ با روش حداقل هزینه نشان داد که سیستم کوچ پیاده با تغذیه کمکی نسبت به روش‌های دیگر اقتصادی‌تر بوده و بدلیل کمتر بودن میزان افت وزن و هزینه‌های کوچ (انتقال از قشلاق به ییلاق بعلاوه تغذیه کمکی) نسبت به سه روش کوچ پیاده بدون تغذیه کمکی، ماشینی بدون تغذیه کمکی و ماشینی بدون تغذیه کمکی در کوچ شبانه ارجحیت دارد (ابرغانی و همکاران، ۱۳۸۶)